

جلد دوم



بهنام حاجی زاده

لی بار دوگو

محاصره و طوفان



نشریات



پیش از آن

پسر و دختر زمانی، خیلی وقت پیش‌ها، پیش از آنکه هرگز دریای راستین را ببینند، کشتی‌ها را تصور کرده بودند. آن‌ها مرکب‌های داستان‌ها بودند، کشتی‌هایی جادویی با دکل‌هایی از جنس سدر شیرین و بادبان‌هایی که دوشیزگان با ریسمان‌های زرین ناب بافته بودند. خدمه‌شان موش‌هایی سفید بودند که آواز می‌خواندند و با دُم‌های صورتی‌شان عرشه‌ها را می‌ساییدند.

ورهادر^۱ کشتی جادویی نبود. سوداگری کرچی بود و بارش لبالب ارزن و مَلاس. بوی زنده‌ی بدن‌های ناشور و پیاز خامی را می‌داد که به مدعای ملوانان، از اسقربوط^۲ پیشگیری می‌کرد. خدمه‌ی ورهادر سر عرق نیشکر ناسزا می‌گفتند و فحش می‌دادند و قمار می‌کردند. نانی که به پسر و دختر می‌دادند شپشه‌زده بود و

1. Verrhader

۲. بیماری ناشی از فقر ویتامین ث که در سنتز و ساخت کلاژن نقش دارد. اسقربوط یا اسکوریوت باعث ظهور لکه‌هایی روی پوست، سستی لثه‌ها و خونریزی غشاهای مخاطی می‌شود.